

اعلامیه جبهه ملی ایران
درباره بازداشت دوباره عباس امیر انتظام

به نام خداوند جان و خرد
هم میهنان آگاه و بیدار؛
چنان که می دانید، کار بدستان امنیتی وابسته به تمامیت خواهان حاکمیت، که ملت ایران با زاری مدنی دست رد به سینه آنان زده است، در راستای تهدید و نیز
تحدید آزادی های مصرح در اعلامیه حقوق بشر جهانی، که جمهوری اسلامی ایران نیز از امضاء کنندگان این منشور می باشد، مهندس عباس امیر انتظام را بار دیگر به دادگاه
غیر قانونی انقلاب احضار کرده و با نادیده گرفتن مرخصی استعلاجی ایشان جهت درمان بیماریهایی که در طول فزون بر بیست سال زندانی کشیدن، گریبانگیرشان شده
است، روانه زندانشان کرده اند.
مهندس امیر انتظام، عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، ثابت کرده است که تسلیم توبه نامه نویسی های کیهان ی و برنامه سازی های هویتی امامی ها و لاریجانی ها نمی
گردد؛ و به یقین، این بار نیز از این آزمون سرفراز بیرون خواهد آمد. از سوی دیگر، به فاصله سه روز، دکتر پیروز ورجاوند، سخنگو و عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، به شعبه
۲۶ دادگاه انقلاب احضار می گردد. این حوادث در حالی رخ می دهد که جبهه ملی ایران طرح مترقی همه پرسی تعیین نظام سیاسی را در شرایط بحرانی کنونی به عنوان یک راه حل
اساسی جهت برون شد از بحران، بگونه ای ساختار یافته و تعریف شده، پی می گرفته است. چهار اعلامیه اخیر امیر انتظام نیز با این رویکرد همسوست.
از سوی دیگر، باید بررسی شود که چه دستهایی در طیف اقلیت حاکمیت، به دنبال آنند که در شرایطی که تهدیدات خارجی و اوضاع پر آشوب منطقه تمامیت ارضی میهن ما را
به مخاطره افکنده است، بجای آنکه در پی همکاری ملی باشند، با اقدامات آزادی ستیز و ضد مردم سالاری بر بحران های داخلی کشور می افزایند تا، به تصور خودشان، موقعیت
خود در یک فضای آشوب زده، حتی با پشتوانه قوه قهریه، تحکیم کنند. به راستی، به زندان افکندن حقوقدانان شجاع و عدالت خواهی چون دکتر زرافشان، دکتر دادخواه، یا
نویسندگان چون دکتر زیدآبادی، علیرضا جباری، و محکومیت های برخی دانشجویان، با کدام منطق که دغدغه منافع ملی را داشته باشد سازگار است؟ احضار نماینده خانه ملت،
بی توجه به مصونیت پارلمانی، که تنها جرمش دل نگرانی نسبت به وضعیت نابسامان زندانیان سیاسی و مطبوعاتی است که گاه از ابتدایی ترین حقوق شهروندی و انسانی محروم می
باشند، و یا احضار سخنگوی دولت که از هم میهنان گرانقدر کرد است، چه توجیه منطقی می تواند داشته باشد؟

جبهه ملی ایران
۱۳۸۲۰۷۱۱

عبرت روزگار

**بر باد رود هر آنچه استعداد است
محکوم به انهدام، چون بغداد است
ادیب برومند**

**آنجا که رهش طریق استبداد است
شهری که بود حاکم او چون صدام**

هم میهن!

گماردگان امنیتی و قضایی که به دور از ساختاری
علمی، امروزه تنگاتنگ هم به فعالیت میپردازند نشان
داده اند، نه سواد تاریخی، نه قدرت تحلیل سیاسی و نه
توان عبرتگیری از وضعیت کشورهای همسایه را دارند.
بیم آن میروند با سرکوب و شونت کور آنها و تعمیق یافتن
شکاف ملت و دولت در بزنگاه تاریخی، مشکلاتی
طاققت فرسا، تا مرز از هم گسیختن یکپارچگی میهن،
گریبانگیر کشور شود و شما ملت دردمند و زیر فشار
ایران باردیگر تاوان خودکامگی آنان را بپردازید. پس
بیباید دست در دست هم نهیم و با رفتارهایی مدنی و از
مجرای قانونی، خواستار دگرگونی های بنیادین در
راستای استقرار مردمسالاری و حاکمیت ملی گردیم،
باشد که نهادهای قانونی متکی بر رأی و حمایت مردم
طرح رفراندوم کلی را با نظارت حقوق بشر جهانی دنبال
کنند.

جبهه ملی ایران

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com

اعلامیه جبهه ملی ایران

درباره حکمهای غیر قانونی شخصیت های مبارز

بنام خداوند جان و خرد
ملت بزرگوار ایران،

به قدرت نشستگان حاکمیت بار دیگر نشان دادند که نه تنها هیچ اهمیتی به عاقبت این کشور در این دوران
حساس و بحرانی و سرنوشت ساز نمی دهند، بلکه حتا قادر به درک موقعیت خود نیز در این شرایط نیستند و با
دست خود قایقی را که بر آن سوارند سوراخ می کنند.

اعلام حکم های شدید و غیر انسانی، پس از بازداشت غیر قانونی و محاکمه غیر علنی و بدون حضور هیئت
منصفه در تخلف اصل ۱۶۸ قانون اساسی، توسط دادگاهی غیر صالح، علیه پانزده نفر از خوشنام ترین مبارزان راه
آزادی و مردم سالاری، نشان می دهد که جناح محافظه کار تندرو، پس از مدتی تردید، دوباره از یک احساس
کاذب امنیت شغلی برخوردار شده است. اعزام مجدد امیر انتظام به زندان نیز موید این تصور است که با افزایش
فشار و خشونت، حفظ مسند قدرت مطلقه آنان برای مدتی بیشتر امکان خواهد داشت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر که جمهوری اسلامی نیز از امضاء کنندگان آن می باشد، در بند های ۱۹، ۲۰ و ۲۱،
آزادی بیان عقیده را تضمین کرده و آنرا حق مسلم هر فرد بشمار آورده است. بنابراین، بازداشت و زندانی کردن
کسانی که بطور مسالمت آمیز عقاید خود را ابراز می کنند، و تشکیل دادگاههای آنچنانی و صدور حکمهای
شدید و غیر انسانی برای بوحشت انداختن و منصرف کردن مخالفان، نه تنها تخلف صریح از میثاقهای بین
المللی روابط بشری است که در قرن حاضر حفظ آنان از ضرورت های دهکده جهانی می باشد، بلکه می تواند آنان
را همانند حکومت های سابق برخی کشورها هدف خشم جامعه جهانی قرار دهد.

جبهه ملی ایران به هر پانزده نفر شخصیت مبارزی که به عنوان چهره های ملی - مذهبی نوبتشان رسیده
که مورد تهاجم حاکمیت قرار بگیرند، درود می فرستد و مطمئن است که شکست نهایی با بدخواهان
آنان خواهد بود.

جبهه ملی ایران
۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۲